



برنامه درسی پنهان

Hidden Curriculum

تهیه کنندگان: مهری یاوری، دکتر حسین کریمی مونقی

فاطمه رجب دیزاوندی

برنامه درسی پوچ: مواد و موضوعهای درسی یا فرایندهای ذهنی است که در سایه گزینش و تصمیم برنامه ریز درسی از دستور کار نظام آموزشی حذف شده و لذا یادگیرندگان از آموختن تجربه های مرتبط با آنها محروم می مانند (مهرمحمدی، ۱۳۸۹).



برنامه درسی پنهان: اما مجموعه

یادگیریها و تجاربی که یادگیرندگان کسب میکنند، محدود به برنامه درسی آشکار نیست و عوامل دیگری

به طور اجتناب ناپذیری در کنار برنامه های درسی آشکار وجود دارد که در بسیاری از جنبه ها به طور گسترده تر، پایدارتر و نافذتر، در شکل گیری تجارب، انتقال افکار، نگرشها، ارزشها و اعمال و رفتار یادگیرندگان عمل مینماید (سیلور و همکاران، ۱۳۸۰). چنین تجاربی که جزو برنامه درسی از پیش تعیین شده نیست، همان **برنامه درسی پنهان** است که آثار مثبت و منفی فراوانی بر یادگیرندگان میتواند داشته باشد.

اگر بپذیریم که در تربیت نیروی بهداشتی-درمانی، علاوه بر دانش و مهارتی که برای پرداختن به این حرفه ضروری است، باید به توسعه و تقویت ارزشها، نگرشها، هنجارهای اخلاقی، مهارتهای اجتماعی و بقیه ویژگیهایی که شکل دهنده رفتارهای انسانی ارائه دهنده مراقبت یا همان مهارتهای حرفه ای گری است نیز توجه لازم را مبذول داریم، باید به نقش برنامه درسی پنهان توجه کنیم. از دید متخصصان آموزش علوم پزشکی، برنامه درسی پنهان قوی ترین راه برای انتقال ارزشهای حرفه ای است (کوهن، ۲۰۰۶).

مؤلفه های برنامه درسی پنهان در کلاس درس ممکن است با مؤلفه های آکادمیک کلاس درس یا همان برنامه درسی آشکار در تقابل باشد، در واقع این دو برنامه درسی از راه های گوناگون به همدیگر مرتبط هستند. لکن سؤال اینجاست که آیا این دو برنامه همواره در یک راستا هستند یا در تقابل با هم خواهند بود.

برنامه درسی پنهان تعیین کننده آن چیزی است که مبنای احساس ارزش و عزت نفس همه شرکت کنندگان در برنامه های آموزشی است و بیش از برنامه درسی رسمی در سازگاری دانشجویان و استادان تأثیر دارد. هیچ دانشکده ای وجود ندارد که یک برنامه درسی پنهان بر دانشجویان و اعضای هیأت علمی آن تحمیل نکرده باشد (اشنایدر ۱۹۷۰). برنامه درسی پنهان ماهیت بی شکل، بی نظم، خوب تعریف نشده و مبهمی را توصیف می کند که به صورت نهان و نهفته در برابر برنامه درسی آشکار مطرح شده و تعاملات در محیط آموزشی را آشکار می سازد (آندرسون، ۲۰۰۲).

از جمله رسالت های ویژه آموزش عالی به عنوان یکی از نظامهای بنیادی جامعه، ارتباط با آرمانهای جامعه و نظام ارزشی آن، تربیت نیروی متخصص مورد نیاز کشور و گسترش متقابل ارتباط بین دانشگاه ها و موسسات آموزش عالی با سایر بخشهای فرهنگی، علمی، صنعتی، اقتصادی و خدماتی کشور می باشد. در جهت تحقق این رسالتها، وظایفی به عهده نظام آموزش عالی کشور است که از مهمترین آنها، تدریس و آموزش، تحقیق و توسعه دانش و رشد حرفه ای است. مسلم است که به منظور تحقق اهداف آموزشی، اهمیت برنامه درسی و توجه همه جانبه، دقیق و عمیق با پدیده آن انکار ناپذیر است و از اهمیت فوق العاده ای برخوردار می باشد.

انواع برنامه های درسی

از دید آیزنر (۱۹۹۴)، سه نوع برنامه درسی به طور همزمان در مدارس و دانشگاه ها اجرا می شود که عبارتند



از برنامه درسی آشکار، برنامه درسی پنهان و برنامه درسی پوچ

برنامه درسی آشکار: برنامه درسی است که برای رشد و تربیت ابعاد گوناگون شخصیت فراگیران به طور آگاهانه طراحی و برنامه ریزی میشود و دارای اهداف آموزشی مدون، محتوای معین و سازماندهی شده، اصول و روشهای یاددهی-یادگیری متناسب با اهداف و محتوا و شیوه های ارزشیابی هماهنگ و پیش بینی شده است (ملکی ۱۳۸۵).

تلقی کند، به تبع آن با فراگیران برخورد خواهد کرد. از طرف دیگر، رفتار یادگیرندگان در تصمیم گیری های مدرس نیز تأثیرگذار است.



اهمیت برنامه درسی پنهان

دیوئی عبارت مشهوری دارد "یکی از بزرگترین مغلطه های تعلیم و تربیت امروز این است

که دست اندرکاران تعلیم و تربیت گمان می کنند که بچه ها در مدرسه آن چیزی را می آموزند که آنها اراده کرده اند" معنی این سخن آن است که اگر به عمق تجربیاتی که یادگیرندگان به آنها دست پیدا کرده اند توجه کنیم، خواهیم دید که آنها مواردی را یاد گرفته اند که ممکن است مطابق با اراده و خواست متولیان نظام آموزشی نبوده است. به عنوان مثال آهولا^۳ (۲۰۰۰)، به یادگیری تملق و ضرورت توسل به قواعد تأثیرگذاری بر استادان جهت کسب نمره که وی آن را یادگیری قواعد بازی می داند، اشاره کرده است.

صاحب نظران استدلال می کنند که اثرات برنامه درسی پنهان بسیار بیش از چیزی است که برنامه درسی رسمی ادعا می کند پس نمی توان آن را نادیده گرفت و علیرغم عدم صریح بودن آن، مثال هایی از جنبه های منفی برنامه درسی پنهان و حتی تأثیرات زیان آور آن نشان دهنده اهمیت آن است. بنابراین طرح ریزان برنامه درسی و مدرسین لازم است که اثر نیرومند سازمان یک مؤسسه تربیتی و ساختار اجتماعی و واکنش های متقابل استاد و دانشجو را در مقدار و چگونگی یادگیری یادگیرندگان شناسایی کنند.

منابع جهت مطالعه بیشتر:

Pinar, W. F. (۲۰۰۸). **The sage handbook of curriculum and instruction** (1st ed). Los Angeles: Sage Publications.

آشنایی با منابع جهت مطالعه بیشتر از طریق سایت دفتر توسعه آموزش دانشکده پرستاری و مامایی به آدرس زیر امکان پذیر میباشد.



mail: nms.edo@mums.ac.ir

Web: http://www.mums.ac.ir/nurse/fa/EDO_main

پروست^۱ (۱۹۹۹)، برنامه درسی را به یک کوه یخ تشبیه می کند. اهداف، موضوعات، زمانبندی ها، مواد درسی استانداردها و تکنولوژی موجود قسمت قابل دیدن کوه یخ است که همان برنامه درسی رسمی می باشد. ولی آن قسمت بزرگتر و مهم تر که قابل دیدن نیست برنامه درسی پنهان است که نزد معلمان دانشجویان، والدین و برنامه ریزان تحت عناوین عقاید، گرایشها، انتظارات و انگیزه ها می باشد. این بخش برنامه درسی تا حدود زیادی ناشناخته است و اغلب نادیده گرفته می شود.

کهلبرگ^۲ (۱۹۸۳) معتقد است که برنامه درسی پنهان بهترین راه انتقال و آموزش موارد اخلاقی است. این امر در واقع می تواند به عنوان آموزش غیرمستقیم ارزش هایی قلمداد شود که در آن مدرس از روی قصد، تجارب از پیش تعیین شده ای را که در اهداف تصریح نشده و یادگیرنده نسبت به آن آگاهی مستقیمی ندارد به یادگیرندگان انتقال می دهند.



عوامل شکل گیری برنامه درسی پنهان

۱- ساختار و مقررات موسسه

آموزشی

در آموزش علوم پزشکی قوانین و مقرراتی وجود دارد، از قبیل قوانین کشیک ها، تقسیم بندی افراد در بخش های مختلف، تقسیم وظایف، قوانین مربوط به امتحانات و ارزشیابی و غیره که هر کدام می تواند پیامهای ضمنی را در بر داشته باشد.

۲- جو موسسه و ارتباطات بین افراد

روابط انسانی متعددی در درون یک مؤسسه آموزشی وجود دارد که هر کدام آثار تربیتی خاص خود را دارا می باشد و یکی از مهمترین عوامل شکل گیری برنامه درسی پنهان می باشد. در آموزش بالینی جو کلی حاکم بر محیط آموزش، رابطه استاد با بیماران، رابطه پرسنل با بیماران، رابطه دانشجویان با بیماران، و روابط استاد با سایر افراد همگی آثار ضمنی و پنهانی دارند که اهمیت زیادی دارند.

۳- تعامل بین مدرس و یاد گیرنده

مدرس با رفتار و طرز برخورد خود در کلاس درس می تواند تأثیرات متفاوتی داشته باشد. اگر مدرس آزاد برخورد کرده و فرصت کافی در اختیار یادگیرندگان قرار دهد، حس اعتماد به نفس و تلاش آنان را افزایش می دهد ولی اگر نظرات خود را محور قرار دهد و با روحیه سلطه گری برخورد نماید، مانع بروز توانایی های یادگیرندگان می شود. هم چنین معلمی که مادیات را ارزش

^۱ -Proust

^۲ -Kohlberg

^۳ -Ahoala